



پایان نامه‌ی حاضر، حاصل پژوهش‌های نگارنده در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی است که در سال در دانشکده‌ی دانشگاه به راهنمایی جناب آقای/خانم دکتر و مشاوره‌ی جناب آقای/خانم دکتر از آن دفاع شده است و کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی آن متعلق به دانشگاه یاسوج است.



دانشکده علوم انسانی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم سیاسی

بررسی تأثیرات دفاعی - امنیتی تنگه‌ی هرمز بر امنیت جمهوری اسلامی
ایران

استاد راهنما:

دکتر علی باقری

استاد مشاور:

دکتر رضا التیامی

پژوهشگر:

محمد تقی خادمی فرد

تیر ماه ۱۳۹۳

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان **بررسی تاثیرات دفاعی - امنیتی تنگه‌ی هرمز بر امنیت جمهوری اسلامی ایران**

قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی توسط دانشجو محمد تقی خادمی فرد با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر علی باقری تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه یاسوج مجاز می‌باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

این پایان نامه ... واحد درسی شناخته می‌شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی امضاء تاریخ

استاد راهنما:

استاد مشاور:

داور ۱:

داور ۲:

نماینده تحصیلات تکمیلی

تعهدنامه اصالت اثر اینجانب محمد تقی خادمی فرد تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه یاسوج می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

محمدتقی خادمی فرد

امضاء

تقدیم به:

پروردگار مهربانم

تقدیم به:

دو وجود مقدسی که توانشان رفت تا من به توانایی رسم و موهایشان سپیدی گرفت تا من
سپیدروی شوم.

پدر مهربانم.

وجود گرمش آرامش بخش لحظه های پر التها بزم در سختی های زندگانیم.

مادر دلسوزم.

او که سیمای آسمانیش تماشاگه امید من است و دل رنجیده اش صفای لحظه های من، سایه ی
بی انتهایش، همیشه جاودان.

سپاسگزاری

سپاس خداوندی را سزاست که به من فرصت بودن و آموختن داد، فرصت داد تا در جایگاه مقدس فرهیختگان از محضر علم و ادب بسیاری از اساتید گرانقدر بهره گرفته و جرعه های از چشمه علم و ادب ایشان بنوشم. جای دارد تا خالصانه ترین مراتب قدردانی خود را، نسبت به لطف این بزرگ اندیشان به پاس رهنمودهای ارزنده شان تقدیم دارم.

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگوام، که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یآوری بی چشم داشت برای من بوده اند.

بهترین سپاس ها، تقدیم به استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی باقری که همواره با ژرف نگری و بینش عمیق خود همراه و راهنمای من بودند و جناب آقای دکتر رضا التیامی که با مشاوره های راهگشا و ارزشمند خود همیشه یاور من بودند.

با تشکر و سپاس فراوان از تمام دوستانی که در تهیه این پژوهش راهنما و پشتوانه ما بودند، توفیق روزافزون را برایشان از خداوند منان خواستاریم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

و من الله توفیق

محمدتقی خادمی فرد

چکیده

تنگه هرمز با تردد سالیانه ۲۰ هزار فروند شناور، یکی از مهم‌ترین تنگه‌های بین‌المللی محسوب می‌شود که در ردیف حیاتی‌ترین تنگه‌های عبور و مرور جهان است؛ زیرا خلیج فارس دریای نیمه‌بسته‌ای است که اهمیت ویژه‌ای در معادلات بین‌المللی انرژی دارد؛ در نتیجه، تنگه هرمز همچون کلید ورودی به این دریا محسوب می‌شود. بیش از ۱۰۰ تنگه میان اقیانوس‌ها و آبراه‌های مختلف در جهان وجود دارد که عرض آن‌ها کمتر از ۴۰ کیلومتر (۲۵ مایل) است. از میان این یکصد آبراه کم‌عرض بر اساس تعداد عبور کشتی‌ها، قطب اقتصادی، آسیب‌پذیری جغرافیایی، استفاده نظامی و اهمیت راهبردی می‌توان تنها به پنج تنگه اشاره کرد. تنگه‌های هرمز، جبل‌الطارق، بسفر، داردانل و باب‌المندب در جایگاه ویژه اقتصادی و سیاسی جهانی قرار دارند. در این میان، تنگه هرمز از اهمیت خاص امنیتی در سطح بین‌الملل برخوردار است، زیرا مهم‌ترین گلوگاه حمل‌ونقل نفت جهان است و به‌نظر می‌رسد این اهمیت طی سال‌های آینده با وجود تلاش کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای انتقال نفت خود از راه‌های دیگر همچنان ادامه داشته باشد. با توجه به کارکردهای اقتصادی و ارتباطی تنگه هرمز در یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان این سوال مطرح می‌گردد کنترل تنگه هرمز چه پیامدهای مثبت و منفی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ ایران با تسلط و در اختیار داشتن این تنگه چگونه می‌تواند به نفع امنیت ملی خود مزایایی کسب نماید؟ به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت استراتژیک و راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز در معادلات منطقه‌ای و جهانی، تسلط بر این تنگه، امتیاز منحصر به فرد و ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. تحقیق حاضر بر اساس روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی:

تنگه هرمز، امنیت ملی، خلیج فارس، ژئوپلیتیک، واقع‌گرایی، حقوق بین‌الملل تنگه‌ها

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
بخش اول : کلیات تحقیق و چارچوب نظری	۴
فصل اول: کلیات	۵
۱-۱- بیان مساله	۵
۱-۲- ادبیات تحقیق	۶
۱-۳- سوالات تحقیق	۸
۱-۴- فرضیه‌های تحقیق	۸
۱-۵- اهداف پژوهش	۹
۱-۶- روش تحقیق	۹
فصل دوم : چارچوب نظری	۱۰
۱-۲- تعریف مفاهیم:	۱۰
بخش دوم : تاریخچه سیاسی و تحولات سیاسی مربوط به تنگه هرمز	۲۴
۱- موقعیت ژئوپلیتیک ایران :	۲۶
۲- تنگه هرمز و جغرافیای طبیعی آن :	۲۷
۱-۲- عنوان هرمز :	۲۸
۲-۲- جزایر تنگه هرمز :	۲۹
۲-۳- شهرت جهانی هرمز در طول تاریخ :	۲۹
۲-۴- حاکمان قدیمی تنگه هرمز :	۳۱
۲-۵- تنگه هرمز در دوره اسلامی :	۳۲
۲-۶- پرتغالی‌ها در تنگه هرمز :	۳۴
۲-۷- اخراج پرتغالی‌ها از تنگه هرمز و نقش امامقلی خان :	۳۶
۲-۸- تنگه هرمز پس از پرتغالی‌ها :	۳۷

۳۷	۹-۲- نفت و تنگه هرمز :
۳۹	۳- اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران :
۴۴	۴- مرز دریایی ایران و عمان:
۴۴	۵- موقعیت جغرافیایی استراتژیک و جزایر سه گانه :
۴۷	بخش سوم : اهمیت سیاسی اقتصادی نظامی تنگه هرمز.....
۵۰	۱- نقش تنگه هرمز:
۵۰	۱-۱- نقش ژئواستراتژیکی:
۵۱	۱-۲- نقش ارتباطی:
۵۱	۱-۳- نقش اقتصادی:
۵۴	۲- دلایل برتری موقعیت ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز :
۵۴	۲-۱- برتری موقعیت نظامی و جمعیتی :
۵۶	۲-۲- ساحل طولانی ایران :
۵۶	۲-۳- کم‌اثر بودن راه‌های جایگزین تنگه هرمز :
۵۷	۳- منابع نا امنی ایران :
۵۷	۳-۱- منطقه‌ای :
۵۹	۳-۲- منابع فرا منطقه‌ای :
۶۴	بخش چهارم : رژیم حقوقی و بستن تنگه هرمز بر اساس حقوق بین الملل دریاها
۶۵	۱- مروری بر نظام حقوقی آبراه های بین المللی و حق عبور :
۷۲	۲- وضعیت تنگه ی هرمز از نظر حقوق بین الملل :
۷۵	۳- بسته شدن تنگه هرمز از سوی یکی از کشورهای ساحلی.....
۷۸	۴- تحریم نفتی غرب از سوی کشورهای ساحلی :
۷۸	۵- امکان بروز جنگ در منطقه:.....
۷۹	۶- احتمال حمله تروریستی و بسته شدن تنگه هرمز:.....
۷۹	۷- ادامه شرایط نه جنگ- نه صلح میان ایران و عراق:.....
۷۹	۷-۱- ادامه درگیریهایی داخلی در عراق:.....
۸۰	۸- استراتژی بستن و انسداد تنگه هرمز :
۸۲	۸-۱- استراتژی بستن :
۸۳	۸-۲- استراتژی نبستن و تامین امنیت تنگه هرمز :
۸۴	۹- اعتمادسازی و ضرورت آن در تنگه هرمز و خلیج فارس :

۸۷	۹-۱- راه‌ها و اقدامات اعتمادسازی و تنش‌زدایی در منطقه :
۸۹	نتیجه‌گیری
۹۲	فهرست منابع و مآخذ

بخش اول :

کلیات تحقیق و چارچوب نظری

فصل اول: کلیات

۱-۱- بیان مساله

منطقه خلیج فارس از مناطق راهبردی مهم دنیا محسوب می‌شود. البته این امر مسئله جدیدی نیست، بلکه از قرن‌های قبل امری شناخته شده و مورد قبول بوده است. در قرون معاصر خلیج فارس شاهد حضور و تسلط دولت استعماری انگلیس و نیز تداوم سیاست‌های دیرینه و استعماری روسیه تزاری برای دستیابی به آب‌های گرم بوده، که همگی حاکی از اهمیت راهبردی آن است. دیوید نیوسام، معاون وزیر امور خارجه سابق آمریکا در سال ۱۹۸۰ در یک سخنرانی در دانشگاه جورج‌تاون گفته بود که اگر جهان دایره مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین می‌توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است. خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۹۵۰۰ مایل مربع، حدوداً ۵۶۵ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد که ۶۳ درصد از کل ذخایر ۸۹۶/۵ میلیارد بشکه ای نفتی شناخته شده در جهان را تشکیل می‌دهد. امنیت در خلیج فارس یکی از دغدغه‌های اصلی تولیدکنندگان منطقه ای نفت و مصرف‌کنندگان بزرگ آن در سراسر جهان بوده و هست. در واقع این ایران بود که پس از خروج نیروهای استعماری بریتانیا از منطقه، خواستار ترتیبات منطقه ای برای امنیت خلیج فارس شد. تا کنون عمده ترین نگرانی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ غربی در منطقه ی خلیج فارس، مسئله "امنیت" بوده است.

منطقه خلیج فارس به عنوان یکی از گلوگاه‌های ژئواکونومیک، ژئوکالچرال، ژئواستراتژیک در سطح جهان که مدیریت تولید، عرضه حجم بالای یکی از مهمترین خواسته‌های دولت‌ها و ملت‌ها یعنی انرژی را به عهده گرفته. متشکل از هشت کشور اسلامی است که همه دلایل فوق بر اهمیت این منطقه می‌افزاید. در چنین شرایط شاید برقراری امنیت مهمترین خواسته و الزام در منطقه باشد. الزامی که در دوره‌های مختلف، اشکال خاصی از آن را به خود دیده است. شکل‌گیری یک سیستم امنیتی در خلیج فارس و به تبع آن ایجاد هم‌گرایی بین کشورهای منطقه، همواره با مشکلات و موانع بسیاری مواجه بوده است. کمیت و کیفیت این موانع به حدی است که عوامل مستعد و زمینه ساز هم‌گرایی در منطقه را نیز تحت شعاع قرار داده است

منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس جزء مناطق حساسی است که از سال ۱۹۰۸ میلادی هنگامی که نخستین چاه در مسجد سلیمان به نفت رسید اهمیت نوین جهانی یافت و پس از جنگ دوم بویژه در دو دهه اخیر بصورت یک منطقه فعال و دارای کارکرد های خاص در نظام بین الملل درآمده است. حوزه خلیج فارس از حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامون خود تاثیر پذیرفته و مسائل آن حاصل ترکیب و القای مسائل، نیروها و دیدگاه های خاص چهار حوزه پیرامونی و در پیوند برخی حوزه ها، نیروهای مداخله گر فرا منطقه ای می باشد که هویت ژئوپلیتیکی آن را شکل می دهد. حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس برابر آمار، ۳۱ درصد تولید جهانی نفت معادل ۲۲/۷ میلیون بشکه در روز (رضوی، ۱۳۷۹: ۱۳) و ۶۷ درصد ذخایر نفت جهان (۷۲۰ میلیارد بشکه) را به خود اختصاص داده است، همچنین این منطقه حدود ۲۸ درصد ذخایر گاز طبیعی و حدود ۴۰ درصد صادرات نفت جهان

و حدود ۲۳ درصد صادرات کل جهان و ۸/۲ درصد واردات کل جهان را در بر دارد و از نظر وابستگی صادرات آن به نفت وضعیت خاص دارد به نحوی که بیش از ۹۵ درصد صادرات منطقه نفت را تشکیل می دهد (حافظ نیا، ۱۳۷۱:۲۴). در این میان تنگه هرمز بعنوان راه ورودی به خلیج فارس از جنبه های مختلف حائز اهمیت است. به عنوان نمونه به نوشته سازمان اطلاعات انرژی آمریکا، نفت صادر شده از طریق این تنگه، حدود ۴۰ درصد نفت دنیا را تامین می کند. البته این آمار به تناسب نرخ تولید اوپک تغییر می کند. علاوه بر این حدود ۲ میلیون بشکه محصولات نفتی شامل سوخت و گاز مایع (LNG) نیز از طریق این راه حمل می شود. همچنین ۹۰ درصد نفت خلیج فارس نیز از طریق این تنگه صادر می شود. آژانس اطلاعات انرژی آمریکا پیش بینی می کند حجم صادرات نفت از این تنگه تا سال ۲۰۲۰ به ۳۰ تا ۳۴ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. علاوه بر این موارد گفته شده، کشتی های تجاری حامل غلات، سنگ معدن، شکر و محصولات دیگر نیز از طریق این معبر حیاتی خلیج فارس و بنادر حاشیه ی آن مانند دومی می گذرد. همچنین باید گفت اقتصاد منطقه ای خلیج فارس، با اقتصاد جهانی رابطه متقابل دارد و در این میان تنگه ی هرمز به عنوان آبراه بین المللی نقش ارتباطی تعیین کننده ای در برقراری پیوند بین کشور های منطقه با سایر مناطق جهان بر عهده دارد. از لحاظ اهمیت ارتباطی تنگه ی هرمز، مراکز تمدن های آسیایی را به مراکز تمدن های بین النهرین، مدیترانه و اروپا پیوند داده است. در واقع تنگه ی هرمز کانال انتقال پخش کالا و مواد و ارزش ها و عناصر فرهنگی و اجتماعی بین محیط های جوامع اجتماعی و شرق، غرب، جنوب و شمال بوده است. با توجه به کارکردهای اقتصادی و ارتباطی تنگه هرمز در یکی از حساس ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان این سوال مطرح می گردد کنترل تنگه هرمز چه پیامدهای مثبت و منفی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ ایران با تسلط و در اختیار داشتن این تنگه چگونه می تواند به نفع امنیت ملی خود مزایایی کسب نماید؟

۱-۲- ادبیات تحقیق

در خصوص آثار پژوهشی منتشر شده در خصوص موضوع تحقیق باید گفت که حجم مقالات منتشر شده درباره موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و اقتصاد آن بسیار زیاد است اما به لحاظ امنیتی این منطقه و بخصوص تنگه هرمز، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از میان آثار منتشر شده می توان به موارد زیر اشاره کرد:

اسدیان (۱۳۸۱) در کتاب «سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس» می نویسد: یکی از دلایل اهمیت راهبردی خلیج فارس وجود تنگه ی هرمز است. «تنگه ی هرمز» گذرگاهی است هلالی شکل که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می کند. این تنگه یکی از مهمترین تنگه ها در بین یازده تنگه ی دنیاست که برای ابر قدرت ها اهمیت اقتصادی و راهبردی زیادی دارد. نویسنده کوشیده است تا با فضای شکل گرفته پس از یازده سپتامبر به تحلیل سیاست امنیتی آمریکا در منطقه بپردازد.

جعفری (۱۳۸۱) در کتاب «ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس» به نقل از آلبوکرک دریادار پرتغالی درباره ی اهمیت تنگه ی هرمز آورده است: هر دولتی که بر سه تنگه ی باب المندب، هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود. نویسنده با اشاره به این جمله می کوشد

تا به بررسی اهمیت این تنگه در قرن بیستم بپردازد. کتاب علی رغم اینکه توضیحات خوبی در مورد تنگه هرمز در اختیار خواننده قرار می دهد تاثیرات امنیتی آن را به صورت مختصر و گذرا بررسی کرده است

دیوید نیوسام (۱۹۸۰) در کتاب «سیاست ایالت متحده در قبال خلیج فارس» می نویسد: اگر جهان دایره‌ی مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین می توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است... امروز جایی در جهان به اهمیت این منطقه وجود ندارد که تمامی توجهات را به یک نقطه و با علایق یکدست، همسان کند. در حال حاضر، برای ادامه سلامت اقتصادی و ثبات جهان، جایی به اهمیت این مرکز وجود ندارد. نویسنده در اثر خود تلاش می نماید تا سیاست های آمریکا در خلیج فارس را به بوته نقد و بررسی گذارد.

متقی (۱۳۷۶) در کتاب «مداخله گرایی و گسترش» بر این عقیده است که جایگاه برتر خلیج فارس در معادلات جهانی را میتوان در سیاست گذاری های دولت آمریکا بررسی نمود. بدین صورت که آمریکا در دوران جنگ سرد حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس را برای امنیت خود امری حیاتی می دانست و حاضر بود برای حفاظت از کشورهای که مورد تجاوز مسلحانه کمونیسم بین الملل قرار می گیرند، از نیروهای مسلح خود استفاده کند. امروز این نقش در قالب حمایت از متحدین منطقه ای همچنان پابرجاست.

پیشگاهی فرد (۱۳۷۸) در مقاله «ژئوپلتیک ایران در نظام دگرگون شده جهانی» بیان می کند درک بهتر از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند تحلیل دقیق مسائل ژئوپلیتیکی - ژئواستراتژیکی است. بدون شک مسائل مزبور مستقیماً بر امنیت ملی و منافع اقتصادی ایران اثرات چشمگیری خواهد داشت. در اولویت بندی های ژئوپلیتیکی مناطق و محورهای ژئوپلیتیکی ایران، اگرچه نظرگاههای مختلفی وجود دارد، اما بدون شک منطقه استراتژیک خلیج فارس و آسیای شمال غربی در صدر اولویتهای قرار دارد. نویسنده با توجه به اظهارات فوق درصدد برآمده تا ژئوپلیتیک ایران را مورد بررسی مجدد قرار دهد.

کتاب امنیت سازی در خلیج فارس نوشته **رابرت هانتز**، توسط بخش تحقیقات امنیت ملی بنگاه رند، چاپ شده است (۲۰۱۰). در این کتاب بیشتر توجه به سمت آمریکا هست تا همه موضوعات موانع امنیت دسته جمعی در منطقه خلیج فارس و ما در مقاله خود به دنبال تکمیل مطالب آن هستیم.

بولتن خلیج فارس: رویدادها و تحلیل ها (۱)، نظارت و تدوین: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران - معاونت پژوهشی، خرداد ۱۳۸۸، این کتاب بیشتر در مورد مسئله داخلی کشورهای حوزه خلیج فارس پرداخته و به موضوعات فرامنطقه ای و جهانی و اختلافات بین این کشوره کمتر پرداخته و ما به دنبال تکمیل آن هستیم.

مقاله آینده روابط ایران و آمریکا در تامین امنیت خلیج فارس نوشته دکتر امیر ساجدی، به یک مقوله از موانع امنیت دسته جمعی در خلیج فارس پرداخته و ما در رساله خود به دنبال بررسی همه جوانب موانع امنیت دسته جمعی می پردازیمو می خواهیم مطالب آن را تکمیل کنیم.

مقاله امنیت خلیج فارس: نقش آمریکا و جایگاه ایران ، نویسنده شهروز ابراهیمی (۱۳۸۹) به روندهای شکل گیری امنیت خلیج فارس پس از صدام حسین را با تاکید بر نقش امریکا و چالش های جمهوری اسلامی را بررسی می کند. و ما در رساله خود به دنبال تکمیل مطالب آن هستیم و بررسی گسترده تر در مورد موانع امنیت دسته جمعی درز خلیج فارس هستیم.

مقاله چالش های جدید امنیتی خلیج فارس ، بررسی منافع مثلث ایران، آمریکا ، شورای همکاری خلیج فارس، نویسنده: سعیده لطفیان ، فصلنامه مطالعات خاورمیانه ، اسفند ۱۳۸۵، این مقاله به بررسی سیاست های ایران برای تامین امنیت خلیج فارس و همچنین عکس العمل های مختلف از کشورهای منطقه و آمریکا به آن پرداخته ، این مقاله هم به یک جنبه از موانع امنیت در خلیج فارس پرداخته و ما به دنبال تکمیل آن هستیم.

مرور آثار فوق و مقالات منتشر شده درخصوص موضوع بیانگر این مساله است که موضوع مورد پژوهش در سال های اخیر در اثر مستقل و از زاویه دفاعی و امنیتی مورد پژوهش قرار نگرفته است و قابلیت پژوهش را دارد.

۱-۳-سوالات تحقیق

سوال اصلی

کنترل تنگه هرمز چه پیامدهای مثبت و منفی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟

سوالهای فرعی

مزیت اقتصادی، ارتباطی، مبادله ای تنگه ی هرمز برای جمهوری اسلامی ایران چیست؟

چگونه می توان از تنگه ی هرمز به عنوان اهرم سیاسی در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد؟

۱-۴-فرضیه های تحقیق

فرضیه پژوهش:

به نظر می رسد با توجه به اهمیت استراتژیک و راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز در معادلات منطقه ای و جهانی، تسلط بر این تنگه، امتیاز منحصر به فرد و ویژه ای برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می کند.

انسداد تنگه هرمز بدن در نظر گرفتن ملاحظات و قوانین بین المللی تبعات منفی امنیتی اقتصادی برای ج.ا.ا. به همراه خواهد داشت.

۱-۵- اهداف پژوهش

بررسی اهمیت تنگه‌ی هرمز از لحاظ تبعات امنیتی و دفاعی برای ایران.
 کار ویژه‌های تنگه‌ی هرمز در خلیج فارس از لحاظ ارتباطی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی.
 بررسی استفاده از تنگه‌ی هرمز در تهدیدات امنیتی کشور های دیگر علیه ایران.

۱-۶- روش تحقیق

الف. نوع روش تحقیق :

روش این تحقیق تحلیلی توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی می باشد
 ب : روش گردآوری اطلاعات :

داده ها با ابزار کتابخانه ای و از طریق مطالعه کتب، نشریات تخصصی و علمی پژوهشی، مقالات و سایتهای اینترنتی و نشریات گردآوری شده است. برای آزمون فرضیه اصلی از روش اثباتی استفاده می کنیم و با رده بندی شاخصهای هر متغیر تلاش خواهد شد تا رابطه علی و معلولی میان آنها توضیح داده شود. برای توجیه روایی فرضیه سعی می شود با بررسی نظریات کارشناسان متخصص روابط بین الملل، امنیت ملی و سیاسیون خارجی و نظریه پردازان در خصوص این موضوع به اثبات فرضیه پردازیم. از طرفی استفاده از مطبوعات و منشورات از منابع اساسی مورد استفاده در این زمینه می باشد بدین منظور روش گردآوری اطلاعات به شرح ذیل است:

۱- شناسایی و استخراج فهرست منابع

۲- طبقه بندی منابع و دسته بندی مطالعات صورت گرفته

۳- استفاده از مطبوعات و منشورات که از منابع اساسی مورد استفاده در این زمینه می باشد

پ : ابزار گردآوری اطلاعات:

گرد آوری اطلاعات بصورت فیش برداری از منابع کتابخانه ای و اطلاعات اینترنتی و شبکه های کامپیوتری می باشد.

ت: روش تجزیه و تحلیل اطلاعات :

در این پژوهش توصیف پدیده مورد نظر با تکیه بر تجزیه و تحلیل وقایع صورت گرفته و سعی شده تا تحلیل منطقی از رویدادها ارائه گردد. روش تحلیلی با توجه به اینکه موضوع مورد مطالعه در حوزه روابط بین الملل و سیاست خارجی است و اسناد و مکتوبات بسیاری در این زمینه وجود دارد و با رجوع به مراکز اسنادی و استفاده از منابع مکتوب آنها می تواند راهگشای پژوهش باشد.

فصل دوم : چارچوب نظری

۲-۱- تعریف مفاهیم:

۲-۱-۱- امنیت ملی:

تعریف فرهنگ‌های لغات از «امنیت»، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت» همچنین عبارت است از رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی، و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره‌ی مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند. از سوی دیگر، امنیت پدیده‌ای متأثر از مولفه‌های مادی-ذهنی به شمار می‌آید که دیگر چنان دوران جنگ سرد، نمی‌توان آن را در ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود (اردی، ۱۳۸۱: ۵۹).

عناصر اصلی، که تقریباً در تمام تعاریف امنیت مشاهده می‌گردند، ارزش‌ها، خطرات یا تهدیدات هستند. هم ارزش‌های عمومی و هم تهدیدهای عمومی، احتمالاً به رهیافت امنیت جمعی در میان کشورهای مستقل منجر می‌گردند.

واژه‌ی «امنیت» ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول گردید. سپس تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، موجب شدند این مفهوم کارایی بیشتری پیدا کند. بوزان (buzan)، که رهیافت مفهومی وسیعی از مسئله‌ی امنیت ارائه می‌دهد، اصطلاح «امنیت» را یک مفهوم توسعه نیافته تلقی می‌کند. کتاب باری بوزان منبع معروفی برای اغلب مباحث مربوط به بحث «امنیت» در روابط بین‌الملل است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵). وی در کتاب خود، پنج دلیل برای عقب ماندگی مفهوم «امنیت» ارائه می‌دهد که چرا مفهوم امنیت مورد غفلت واقع شده است. به نظر وی، تأکید صرف بر مقوله‌ی «امنیت ملی»، کافی نیست. در مجموعه روابط بین‌الملل، مهم‌ترین نهادها کشورها هستند، اما دولت‌ها خود می‌توانند منشأ تهدید نسبت به موضوعات خود باشند که اغلب تحت عنوان «امنیت» توجیه می‌شوند. بنابراین، «امنیت» مفهومی است در معرض برداشت‌های مختلف. به دلیل آنکه اصولاً سیاست‌سازان و نظریه‌پردازان سیاسی «امنیت» را با توجه قدرت ملی تعریف می‌کنند، نوعی وحدت نظر نامناسب رایج گشته است. برخی از محققان هم، که بیشتر به مقوله‌ی امنیت پرداخته‌اند، اسیر بحث‌های مبتنی بر قدرت گردیده‌اند. به عبارت دیگر، «امنیت» همان معنا و مفهومی را پیدا می‌کند که گوینده قصد دارد آن را تعبیر کند. جایگاه امنیت به عنوان یک ارزش سیاسی بحث‌انگیز و استعمال نامناسب آن، این اصل را به اثبات رسانده است که باید درباره‌اش تحقیقات دانشگاهی ژرف و عمیقی به عمل آید. در نتیجه، «امنیت» در عبارت باری بوزان، مفهومی واضح‌تر و عمیق‌تر از شأن و منزلت کنونی آن پیدا می‌کند.

در یکی از کامل‌ترین تلاش‌ها، برای تحلیل این مفهوم (بیش از بوزان)، آرنولد و لفرز امنیت را به عنوان یک نشان و نماد مبهم توصیف نمود و به وجود نیروهای بالقوه مبهم و استفاده‌ی سیاست-

مداران از آن اشاره کرد. پس ابهام مفهومی می‌تواند پیامدهای سیاسی مهمی در پی داشته باشد؛ زیرا رجوع به ملزومات امنیت می‌تواند برای توجیه اقدامات استثنایی مورد استفاده قرار گیرد. طبق نظر وی، امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند، و در معنای ذهنی فقدان ترس و وحشت از حمله به ارزش‌ها را معین می‌نماید. این دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغت‌نامه‌ها، که از یک سو به معنای ایمنی، استواری و نفوذناپذیری، قابلیت اعتماد، اطمینان از عدم شکست، و از سوی دیگر، به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد، منعکس است. از این رو، تعریف واحد و مطلق از «امنیت» وجود ندارد و این واژه دارای یک مفهوم ذاتاً نسبی است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

پس با توجه به اختلاف مفهومی بسیاری که درباره‌ی تعریف «امنیت» وجود دارد، با در نظر گرفتن همه‌ی موارد، می‌توان دریافت که «امنیت» یعنی آزاد و رها بودن از خشونت اعمال شده توسط دیگران این کامل‌ترین تعریفی است که تقریباً جامع تمام تعاریف نیز هست.

در خصوص امنیت ملی می‌توان گفت که امنیت ملی مفهوم جدیدی است که با پیدایش پدیده‌ی دولت‌های ملی در دوران معاصر پدیدار شده است (روشندل، ۱۳۷۴: ۴). و همین مسئله موجب شده است تا در مورد مفهوم امنیت ملی مانند سایر مفاهیم موجود در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بین محققین اجماع نظر وجود نداشته باشد. در حالی که باید به این نکته توجه داشت که امنیت ملی یکی از مباحث بسیار مهم در گستره‌ی سیاست داخلی کشوری است که بر اثر شرایط خاص زمانی، مکانی و جغرافیایی جلوه‌های بین‌المللی به خود می‌گیرد و هر کشوری بنا به شرایط مختلف سیاسی و اهدافی که دنبال می‌کند، خود تعریفی از امنیت ارائه می‌دهد. بنابراین کشورها ممکن است کلمات و واژه‌های دیگر را مترادف با امنیت ملی استعمال نمایند. از جمله حفظ صیانت کشور، بقای کشور، توازن قدرت، بازدارندگی، منافع ملی، هم‌زیستی مسالمت آمیز، بی‌طرفی، انزواطلبی، تشنج زدایی و امنیت دسته جمعی در یک جمع بندی کلی امنیت ملی را به معانی و پدیده‌های زیر می‌توان اطلاق کرد (سیف زاده، ۱۳۸۱: ۱۶).

۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، بقا، و ادامه سیستم اجتماعی سیاسی، اقتصادی و حاکمیت کشور.

۲- حفظ و ارتقای منابع حیاتی کشور (منابع زیرزمینی، فرآورده‌های صنعتی، نیروی متخصص و سرمایه مالی).

۳- فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که: امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است که به یکدیگر متصل و مرتبط هستند. در بعد داخلی مسائلی از قبیل تهدیدهای آشکار و پنهان که در درون مرز ناامنی به بار می‌آورد، مانند تهدیدهای سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب و ...) اقتصادی (نابسامانی و بحرانهای اقتصادی، شغلی، فنی و حرفه‌ای)، نظامی (کودتا، جنگ داخلی و ...) اجتماعی (آشوبهای اجتماعی و ...) که هر کدام از این موارد می‌تواند مردم را تحت فشار قرار دهد. در بعد

خارجی نیز امنیت ملی را می‌تواند مواردی مثل مسائل سیاسی (انزوا، اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله و تقویت قدرت نظامی دشمن)، اقتصادی (تحریمهای اقتصادی) و ... مورد تهدید قرار دهد. امروزه این امر پذیرفته شده است که به دلیل ارتباطات گسترده و نزدیکی ملل به یکدیگر امنیت ملی در بعد خارجی و داخلی کاملاً به یکدیگر متصل بوده و از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌گیرند (بصیری، ۱۳۷۹: ۷۳). لذا تلاش برای امنیت ملی و یا گسترش دامنه آن، از مهم‌ترین هدفهای کشورها در عرصه روابط بین‌الملل است.

کوشش برای بالا بردن حد امنیت ملی یکی از مهم‌ترین نگرانیهای دولتها و از پایه‌های سیاست خارجی آنهاست. برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی، تقویت توان نظامی و دفاعی، جستجوی متحد، بستن پیمان‌های نظامی و همراهی با نظام امنیت جمعی همه برای نیل به چنین هدفی است (روشندل، ۱۳۷۴: ۴). در این راستا دولتها برای نگرانی از امنیت ملی از شیوه‌های گوناگونی نظیر بازدارندگی، تأمین امنیت دسته جمعی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، مهارت دیپلماتیک، سمت گیری مناسب در سیاست خارجی و ایجاد نهادهای فراملی و نیل به همگرایی کمک می‌گیرند. با این وجود مهم‌ترین مسئله در تعیین جهت گیریهای مناسب به منظور پاس داشتن امنیت ملی مقتضیات خاص هر کشور خواهد بود. از این منظر عوامل موثر بر امنیت ملی هر کشور متناسب با موقعیت آن کشور با دیگر بازیگران بین‌المللی متفاوت است (انتخابی، ۱۳۸۴: ۷۸). بنابراین با توجه به موقعیت بین‌المللی و خاص کشور، امنیت ملی ایران عبارت از وجود ذهنی و عینی احساس اطمینان نسبت به تأثیر عوامل خارجی بر پهنه زمینی، دریایی و هوایی کشور.

۲-۱-۱- امنیت منطقه‌ای:

اگر مفهوم «امنیت منطقه‌ای» را از نظر ترکیب واژگانی در نظر بگیریم، دارای دو واژه «امنیت» و «منطقه‌ای» است (مورگان، ۱۳۸۰: ۴۰). هر دو واژه پیچیده است و تعریف قابل قبول مشترکی برای آنها وجود ندارد، و شاید بهترین راه برای نزدیک شدن به این موضوعات قیاس و مقایسه باشد پس با توجه به مشکلات نظری فراوانی که درباره‌ی این دو واژه وجود دارد، با توجه به بررسی نظریه‌های موجود، فقط تعریفی منطقی می‌توان ارائه کرد که عبارت است از اینکه «امنیت منطقه‌ای» مجموعه‌ی تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی است که اعضای یک نظام منطقه‌ای در زمانی خاص آن را به کار می‌برند. بنابراین، امنیت یا ناامنی منطقه‌ای می‌توانند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

در سراسر قرن بیستم، دولتها به همسایگان نزدیک خود به عنوان منابع بالقوه تهدید یا ایمنی می‌نگریستند. با تمرکز بر این همسایگان، دولتها در جستجوی ایجاد قواعد و هنجارهایی بودند که براساس آن قواعد، در یک مجموعه‌ی منطقه‌ای خاص، اقدام کنند. باری بوزان، معتقد است:

ماهیت ارتباطی امنیت، فهم الگوهای امنیت ملی یک دولت را بدون درکی اساسی از وابستگی متقابل الگوهای امنیت منطقه‌ای، که در آن وجود دارد، ناممکن می‌سازد (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۵).